



ابدیت را نباید به خدا نسبت داد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تأکید بر بحث ابدیت و تحلیل آن از منظرهای مختلف انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، اظهار کرد:

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با تأکید بر بحث ابدیت و تحلیل آن از منظرهای مختلف انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، اظهار کرد: نباید ابدیت زمانی را به خدا نسبت دهیم، زیرا وجود خداوند اجل از آن است که ابدیت زمانی را به او نسبت دهیم.

محمدعلی اردستانی به گزارش ایکن، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی اردستانی، استاد حوزه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۲ اسفندماه کرسی علمی ترویجی «تحلیل ابدیت»، که از سوی گروه فلسفه پژوهشکده حکمت و دین پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد، گفت: تحلیل ابدیت از جهات مختلف از جمله هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی ضروری است. از نظر هستی‌شناسی بسیار مهم است، زیرا فرجام هستی است و حتماً واقع خواهد شد و از اینجا ضرورت انسان‌شناسی هم آشکار می‌شود زیرا ابدیت بر تمامی شئون انسان سایه افکنده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: علامه طباطبایی فرموده است که ما آمده ایم تا بمانیم و هستیم که هستیم لذا ابدیت پاسخ مناسبی برای معنای زندگی دارد و همین موضوع ضرورت معرفت‌شناسی را هم نشان می‌دهد زیرا اگر شناخت ابدیت صحیح نباشد تداوم آن انسان را دچار یاس و نومیدی خواهد کرد و سعادت او را در خطر نابودی قرار می‌دهد و اگر این درک از ابدیت صحیح باشد تداوم توجه به ابدیت انسان را از تفاخر در مملکت و تنازع در خیالات و متخیلات و چسبیدن به دنیا بازمی‌دارد. از این رو از منظر ارزش‌شناسی هم مهم است. باید در ابعاد علمی و پژوهشی هم مسئله ابدیت، مسئله شود؛ اگر مسائل را رتبه بندی کنیم، چیزی بالاتر از ابدیت سراغ نداریم.

این پژوهشگر با بیان اینکه در بحث ابدیت ما با ۳ عنوان مواجه هستیم، تصریح کرد: اولین عنوان وعاء زمان، وعاء دهر و وعاء سرمد است و هر ۳ عنوان از عناوین پیچیده مابعدالطبیعه در طول تاریخ بشر بوده و هنوز باب تحقیق به روی این عناوین باز است؛ در مورد زمان چه افراد قبول داشته باشند و چه نداشته باشند با آن مواجه هستند ولی اگر کسی مابعدالطبیعه را منکر باشد نمی‌تواند سخن از وعاء دهر و سرمد بگوید.

اردستانی با بیان اینکه دوام و لادوام دو موضوع وابسته به ۳ عنوان وعاء است، افزود: در دوام و لادوام مسئله دو بخش است یکی از جهت زمانی و دیگری تقرب غیرزمانی؛ وجود به اجمال دو سلسله طولی و عرضی دارد و سلسله طولی بعد از مبدأ، لاهوت، جبروت، ملکوت و ناسوت است و مبدأ، سلسله المبادی و غایت‌الغایات و حقیقت وجود است که نه اسمی دارد و رسمی. لاهو، وجود جامع جمیع اسماء حسنی و صفات است. جبروت، عالم عقول کلیه و ملکوت هم دو قسم است؛ ملکوت اعلی و ملکوت اسفل است که اعلی، نفوس کلیه و اسفل، مثل و ناسوت عالم شهادت است. سلسله عرضی بر عقول عرضی اطلاق می‌شود.

عدم فقدان یک مرتبه از وجود است

وی با بیان اینکه وجود هر موجودی، وعائی دارد، افزود: بر این اساس موجود یا سرمدی یا دهری و یا زمانی و یا آنی است و در احکامش مانند وحدت و کثرت و ثبات و سیلان تابع وجود است. اگر بر عدم هم احکامی مانند ثبات و وعاء و سیلان و .. را بار کنیم عدم هم مراحل پیدا خواهد کرد لذا عدم، فقدان یک مرتبه وجود نسبت به مرتبه دیگر و نیز فقدان هر موجود دانی نسبت به موجود عالی است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به وعاء زمان، وعاء وجود موجود زمانی است؛ وقتی می‌گوییم وعاء است مانند آن است که بگوییم آب در کوزه است، زمان هم اینطور است یعنی زمان خودش یک چیز است و شیئی که به آن نسبت داده می‌شود، چیز دیگری است. آنچه به واسطه آن این نسبت برقرار می‌شود کلمه «در» است. وعاء حرکت‌ها و متحرک‌ها هم زمان است اعم از اینکه زمان به نفس خود و یا طرفش، وعاء دارد و البته طرف زمان، «آن» است و آن، وعاء «آنی»‌هاست. براین اساس موجود زمانی چند قسم است؛ قسم اول زمانی به نفس خودش یعنی زمان، زمانی بالذات است. قسم دوم زمانی بر وجه انطباق است که مثال این قسم، حرکت است و قسم دیگر هم آن و آنیات است.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه زمان امری تدریجی و دارای اجزاست، اضافه کرد: سخن دیگر این است که عقل به واسطه چه چیزی حکم به وجود زمان می کند؟ عقل از طریق تغییر و تبدل و انتقال از حالی به حالی و سپری شدن و ... به وجود زمان حکم می کند.

وی با اشاره به ازل و ابد زمانی، اظهار کرد: ازل زمانی، یک جمله متمادی از زمان در جهت گذشت زمان است. به این معنا که هیچ زمانی، شیئی زمانی و آنی بر او پیشی نمی گیرد یعنی نمی توانیم بگوییم بر این زمان، زمان دیگری مقدم شده است؛ در وجود هیچ زمانی نیست که پیش از آن زمان و یا آنی باشد. ابد زمانی نقطه مقابل آن است. زمان در جانب ابد نباید به زمان دیگری منتهی شود وگرنه ابد زمانی نخواهد بود یعنی امتداد زمانی در جهت ابدی، یک امیر سیال است و در هیچ حد معینی متوقف نمی شود. لذا می توانیم نتیجه بگیریم دوام زمانی، چیزی است که به حسب آن نقرن امتداد خواهد یافت.

اردستانی با بیان اینکه بحث ابد در بین حکما و فلاسفه ریشه دار است و حتی فلاسفه غرب به بحث ابدیت پرداخته اند، گرچه بحث سرمد و دهر ویژه باورمندان به ما بعدالطبیعه است، تصریح کرد: نباید ابدیت زمانی را به خدا نسبت دهیم، زیرا وجود خداوند اجل از آن است که ابدیت زمانی را به او نسبت دهیم. واکنش متفاوت فلاسفه به آرای میرداماد

در ادامه حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی دیباجی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، هم گفت: در بحث ضرورت شناسی بهتر است با اولویت معرفت شناسی بحث شود تا از پراکندگی بحث جلوگیری شود. همچنین این بحث با توجه به سابقه آن در فلسفه و حکمت اسلامی بهتر است دیدگاه ها مستند و مورد اشاره به صاحبان دیدگاه باشد یعنی وقتی از مفاهیم حدوث و زمان و ... استفاده می شود هر کدام از این کلمات، یک سابقه و پیشینه دارد، مانند حدوث دهری که عمدتاً میرداماد از آن استفاده کرده است یا تفکیک وعاء وجود به سرمد و دهر و زمان و آن ابتدا از سوی ابن سینا استفاده شد و بعد میرداماد از آن بهره برد. اگر بدانیم که ابن سینا تا کجا بحث را پیش برد و میرداماد از کجا آغاز کرد تحلیل بهتری خواهیم داشت.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه میرداماد تلاش زیادی در تبیین بحث ابدیت داشته است و کتاب قبسات او هم به این بحث می پردازد، اضافه کرد: البته کسانی دیدگاه وی را نپسندیده اند و یا سکوت کرده اند که ملاصدرا از جمله این افراد است و برخی هم پذیرفته اند؛ ملاحظاتی سبزواری تا حدی پذیرفت و مرحوم علامه آن را نقد و ملاصدرا سکوت کرد. لذا مهم است در تاریخچه به سیر این بحث توجه شود. غزالی هم تعریف عجیبی دارد که با مفهوم فلاسفه غرب نزدیک است.